

جیمز بین

تلفیق برنامه درسی

مکتب ریندرسته اصلی آموزش و پرورش آزادمنشانه

دکتر پروین احمدی

دکتر غلامرضا خوی نژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد



آییز



مجلس شورای اسلامی ایران

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سرشناسه : بین، جیمز، ۱۹۴۴ - م

Beane, James A.

عنوان و نام پدیدآور : تلفیق برنامه درسی، طرح ریزی هسته اصلی آموزش و پرورش آزادمنشانه / مؤلف جیمز بین، مترجمان غلامرضا خوی نژاد، پروین احمدی.

مشخصات نشر : تهران: آیت، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : چهارده، ۲۰۰ ص. - مصور (رنگی)، نمودار (رنگی)، ۲۱/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-964-970-442-5

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان اصلی: Curriculum integration: designing the core of democratic education, 1997.

یادداشت : کتابخانه، صی (۱۶۷-۱۷۹)

یادداشت : نمایه

عنوان دیگر : طرح ریزی هسته اصلی آموزش و پرورش آزادمنشانه

موضوع : برنامه ریزی درسی -- ایالات متحده

موضوع : برنامه های درسی -- ایالات متحده -- تغییر

موضوع : فکر انتقادی -- ایالات متحده -- راههای آموزشی

آموزش و پرورش -- رونگرد میان رشته ای -- ایالات متحده

خوی نژاد، غلامرضا، ۱۳۴۰ - مترجم

ترجمه : پروین، ۱۳۴۵ - مترجم

شناسه اثار : ۱۳۴۵ - ۶۱/۵ ب/ ۲۸ LB

ردیفی کشور : ۳۷۱ - ۱۰

ردیفی دیوبی : ۳۷۱ - ۱۰

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۱ - ۱۰



آیبر

تلفیق برنامه درسی، طرح ریزی هسته اصلی آموزش و پرورش آزادمنشانه

تالیف

جیمز بین

ترجمه

دکتر غلامرضا خوی نژاد، پروین احمدی

ناشر

آیبر، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران

قطع

رقعی

نوبت چاپ

اول

تاریخ

تابستان ۱۳۹۳

تیراژ

۱۵۰۰

صفحات

۲۰۰

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۹۷۰-۴۴۲-۵

لیتوگرافی

نورنگ ۷۷۵۳۱۰۲۷-۷۷۵۲۹۳۶۳

چاپ و صحافی

طرفه ۵۵۲۶۹۲۸۷-۸

کتابیران: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان آزادی، خیابان دکتر قریب، بعد از فرصت شیرازی،

پلاک ۷، تلفن: ۶۶۵۶۶۵۰۹ - ۱۸

لوپرداران: تهران، خیابان لبافی نژاد، بین اردیبهشت و فروردین، پلاک ۲۳۸

تلفن: ۶۶۴۱۴۴۷۲ - ۶۶۴۱۴۵۱۵ - ۶۶۴۱۱۱۷۳ - ۶۶۴۱۳۴۰۹

WWW.Ketabiran.ir

فروش اینترنتی

مقدمه

من در سال ۱۹۶۷ هنگامی که استاد راهنمای من کنراد توپفر^۱ خواندن دو کتاب ایتال توپفر^۲ تحت عناوین تلفیق: معنی و کاربرد و تعامل آن، فرایند آزادمنشانه و همچنین رشته‌های مرتبط با جنبش «برنامه درسی هسته اصلی»^۳ را به من پیشنهاد کرد، به ایده تلفیق برنامه درسی علاقمند شدم. این کتاب‌ها قدیمی بوده و از زمان تلاش‌های آموزشی پرورش پیشرفت‌گرا در دهه‌های ۱۹۳۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ باقی مانده بود، ولی من به عنوان معلم جوان به سمت آنها کشیده شده و ایده‌های مرتبط با چنین موضوعی را چون، راسک^۴ - مسئله - محلی، روش پروژه، و برنامه‌ریزی معلم - شاگرد را که در بحث‌های مربوط به برنامه درسی، مدارس آزادمنشانه، و رویکرد هسته اصلی مطرح بود مورد بررسی قرار دادم. با این حال، در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ این نوع دیدگاه‌های طرح‌ریزی برنامه درسی در تمام مباحث و در بحث‌های حرفه‌ای در مورد آموزش و پرورش و مطالعات برنامه درسی به حاشیه رانده شد. زیرا موضوع‌های درسی مجزا که در کلاس‌های دبستانی، در جنبش زبان کلر (کلر زبان آموزی) و در پروژه‌های «بین رشته‌ای»^۵ در برخی مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها جریان داشت فعالیت بسیاری انجام شده بود. ولی قطعاً چنین روشی در روند آموزشی پیش و پرورش معاصر جایی نداشت.

این موضوع بسیار شگفت‌انگیز است، زیرا «بازنگری»^۵ برنامه درسی جهت کاملاً متفاوتی را در بین جنبش‌های محافظه‌کارانه‌تر اتخاذ کرده بود. همه جنبش‌ها

1. Conrad Toepfer

2. L. Thomas Hopkins

3. Core Curriculum

4. Interdisciplinary

5. Reform

از جمله آموزش و پرورش مبتنی بر شایستگی^۱، بازگشت به مبانی^۲، مدیریت بر مبنای اهداف، افزایش شرایط فارغ التحصیلی، و تدابیر مربوط به دوره‌های درسی کلاسیک در اوج بود (و هنوز هم تاحدی چنین است). در این حال زمینه مطالعات برنامه درسی متهورانه^۳ به عرصه تدابیر فرهنگی وارد شد، جنبشی که زمان آن از این نظر اهمیت بیشتری داشت که توجه به روش‌های محافظه کارانه در حال پیشرفت بود. اما شیوع طرح‌ریزی و سازماندهی برنامه درسی غالباً به دوره‌هایی در مورد تاریخ برنامه درسی محدود می‌شد، زیرا متخصصان برنامه درسی غالباً وقت خود را در بحث‌ها متمرکز بر بازنگری‌های سیاسی نظریه پردازان اولیه صرف می‌کردند.

حال، شدت بی‌اعتنایی را در اواخر دهه ۱۹۸۰ و هنگامی که واژه تلفیق برنامه درسی به ناگهان در ادبیات حرفه‌ای و برنامه‌های همایش‌ها مطرح شد تصور کنید. چگونه می‌تواند این رویکرد با سابقه چشم‌گیری که به سرفت‌گرایانه‌اش در زمانی که این اندازه مصممانه محافظه‌کاری در آن رواج داشت، در زمانه نظریه پردازان برنامه درسی پیشرفت‌گرا در جهت دیگری جریان دارد، عموماً دیده باشد. ولی به شکلی که این رویکرد مطرح شد شگفتی‌چندانی را بر نیانگیخت. در زمانی که در اوایل قرن، اندیشه تلفیق برنامه درسی در رابطه با ایده‌هایی نظیر تلفیق آموزشی کلاسیک و مدرن، و تلفیق نظریه یادگیری کل نگر و تلفیق دانش پدیدار شده است، مربوط به اواخر قرنش به موضوع هسته کردن محتوا و مهارت در موضوعات علمی و فنی مختلف حول برخی مضامین محدود شده بود. این مطمئناً تعریفی ایمن محسوب می‌شد. ظاهراً حتی در ارتباط با بازگشت تفکر محافظه کارانه در حد کافی ایمن بود. به هر حال، یکی از واحدهای برنامه درسی و پروژه‌ها که از آن الهام گرفته بودند در این زمینه فعالیت داشته و برایشان جذاب نیز بود. به علاوه نظریه پردازان برنامه درسی پیشرفت‌گرا نیز بدان معترض نبودند.

به هر حال، آنچه که من از معنای تلفیق برنامه درسی فهمیده بودم این نبود. چنین تعریف محدود (و نادرست) از رویکرد قبل از آنکه با امکانات واقعی و توان پیشرفت‌گرایی مرتبط باشد با محدودیت‌های محافظه‌کاری نزدیک بود، این تعریف در واقع مثال دیگری بود از اینکه چگونه اندیشه‌های پیشرفت‌گرایی به شکلی تعریف مجدد شده است که بدون در دسر با سنت‌های محافظه‌کارانه در مدارس و جامعه تناسب داشته باشد. من باید اعتراف کنم که از این موضوع بسیار ناخشنود بودم. خیلی غیرمنتظرانه به نظر می‌رسید. پیشرفت‌گرایان اولیه به سختی برای به دست آوردن جلب‌نام‌های اندیشه‌هایی چون تلفیق برنامه درسی مبارزه کرده، و برخی از آنها در اوایل این قرن بیستم در خلال حملات جناح راست به خاطر دیدگاه‌هایشان متحمل شده بودند. چگونه می‌تواند تاریخچه مهمی این چنین نادیده گرفته شود؟ بالاخره در نهایت تصمیم گرفتم تا این کتاب را به سه دلیل مرتبط با یکدیگر بنویسم. نخست، کتاب کوچکی را که در سال ۱۹۹۰ و تحت عنوان برنامه درسی یک مدرسه راهنمایی از سخن‌پردازی تا واقعیت^۱ نوشته بودم بر مبنای نظریه تلفیق برنامه درسی بود. من در آن کتاب صراحتاً به خوبی نظر خود را در آگاه آن در آموزش و پرورش همگانی در تمام سطوح نپرداختم. دوم، با توجه به تغییرات دست‌معاصر از تلفیق برنامه درسی، به نظرم زمان برای ارائه زندگی‌نامه این مفهوم و سیر آن در ارائه مدارک درباره معنای آن مناسب می‌رسد. سوم، من می‌خواستم تا حدی به بررسی تلفیقی را با استفاده از اندیشه‌هایی که در کار با طرح‌ریزی در درون و بیرون کلاس درس و در مدت ۳۰ سال فراگرفته بودم گسترش دهم.

با در نظر گرفتن ابهام در معنای برنامه درسی تلفیقی، این امکان وجود دارد که برخی به این دلیل به کتاب مراجعه کنند که انتظار دارند در مورد پیوندها و یا فصل مشترک‌های میان موضوعات درسی مدرسه و چگونگی ایجاد واحدهای موضوعی

از میان آنها اطلاعات کسب کنند. این عمل شگفت‌آور نیست، زیرا واژه برنامه درسی تلفیقی بسیاری اوقات برای توصیف سازماندهی‌هایی به کار رفته است که شامل نوآوری طرح درس‌های موجود بوده است. البته این باعث تأسف است، زیرا در ۱۹۲۰ که آغاز بحث‌های مربوط به برنامه درسی تلفیقی بود، معنای آن بسیار فراتر از این بود. برنامه درسی تلفیقی طرحی از برنامه درسی است که هدفش بهبود امکانات برای یکپارچگی اجتماعی و شخصی از طریق سازماندهی برنامه درسی در حول مسایل موضوعات مهم است که با همکاری مربیان و جوانان و بدون توجه به مرزهای موضوعات درسی شناسایی می‌شود.

در تلفیق برنامه درسی، سازماندهی مضامین زندگی در همان شکل وجودی و تجربی دانش انجام می‌شود یا استفاده از چنین مضامینی، راه برای ورود جوانان جهت کسب منتقدانه موضوعات واقعی زندگی و فعالیت‌های اجتماعی در هر کجا که احساس نیاز نمایند باز می‌گردد. چنین یادگیری و فعالیت‌هایی به آزادی در مدارس عمق و معنا می‌بخشد، چیزی که تلفیق برنامه درسی با تأکیدش بر تشریک مساعی بین معلم-شاگرد در طرح‌ریزی برنامه درسی آن را مورد توجه قرار داده است. تشریک مساعی بین معلم-شاگرد همچنین راه را برای تشریک مجدد روابط قدرت در کلاس و مورد پرسش قرار دادن این موضوع که دانش‌های منسبط آگاهی هستند که به وسیله دیوان سالاران و دانشمندان خارج از کلاس نامگذاری شده‌اند، هموار می‌سازد. تلفیق برنامه درسی همچنین مشتمل بر کاربرد دانش در مسائل و موضوعات مورد علاقه‌ای است که دارای اهمیت شخصی و اجتماعی می‌باشند. این روش راستا مرزهای بین زمینه‌های موضوعات درسی مجزا برداشته شده و دانش و اطلاعات در بافت و زمینه مسائل و موضوعات مورد علاقه سازماندهی مجدد می‌شود. بنابراین قلمرو و توالی دانش با تشریک مساعی و به وسیله موضوعات و سؤالات مورد علاقه و به وسیله معلمان و دانش‌آموزان تعیین می‌گردد.

با توجه به اینکه دانش در سطح حل مسئله و سایر شکل‌های کاربردی مطرح است، لذا دانش‌آموزان همواره به عملکرد دانش اشتغال خواهند داشت، یعنی تجربه‌ای که دامنه آن می‌تواند از ارائه مطلب تا فعالیت‌های اجتماعی گسترش یابد. از جایی که دانش عملاً به کار گرفته می‌شود، لذا دانش‌آموزان ضمن مواجهه با مهارت‌های پرسش و پاسخ و شکل‌های مختلف محتوای درسی در جهت استانداردهای عالی تعلیمی هدایت می‌شوند. این نوع جایگذاری دانش مستلزم کاربرد انعطاف‌پذیر به مناسبت مردمی و فرهنگ متعالی جامعه نیز می‌باشد.

بالاخره، تلفیق برنامه درسی با تأکیدش بر طرح‌ریزی مشارکت‌جویانه، دانش زمینه‌ای، موضوعات مربوط به زندگی واقعی و سازماندهی پیوند یافته، دسترسی جوانان مختلف را به پیشگامان آموخته فراهم آورده و بنابراین راه را برای موفقیت‌های بیشتر اکثر آنان فراهم می‌آورد. توجه به همین دلایل، تلفیق برنامه درسی، برنامه‌ای را ارائه می‌دهد که غالب جوانان از تأثیرات، توجه‌ها و صرف اوقات خودشان در آن احساس ارزش می‌کنند. بنابراین، عجب‌آور نخواهد بود که بسیاری از معلمان، والدین و جوانان این رویکرد را به عنوان فایده‌بخش انگیز، دارای استاندارد عالی و تعلیم و تربیتی جهانی که درباره آن غالباً سؤالاتی شده ولی به ندرت مورد تجربه قرار گرفته است تلقی کنند.

کسی که هرگز در مدرسه‌ای کار نکرده یا در معرض اعتراض با نوعی بهسازی برنامه درسی قرار نگرفته ممکن است سؤال کند که مشکل چیست؟ بی‌توجهی چیست و یا چگونه فردی می‌تواند نسبت به آن اعتراض داشته باشد. ولی آنان که در مدارس کار کرده‌اند به خوبی می‌دانند که برای رویکرد موضوع محوری که مرتبط با فرهنگ سنتی است هیچ جانشینی را نمی‌توان به راحتی در نظر گرفت، هر چند که ظاهراً نیز مطلوب به نظر آید. همواره در داخل و خارج از مدرسه متقدانی وجود دارند و حتی زمانی که درب کلاس نیز بسته است هیچ نوع تدریسی به خصوص شکل

پیشرفت‌گرایی آن چندان ساده نیست. به همین دلیل، علی‌رغم بسیاری از موفقیت‌ها که در طول ۷۰ سال اتفاق افتاده است، کار در مورد اندیشه تلفیق برنامه درسی هنوز هم ادامه دارد. با این حال، معلمان بیشتر و بیشتری جذب این اندیشه شده و نشانه‌های بی‌شماری از کاربرد آن در کلاس‌های اطراف کشور (امریکا) در کتاب‌ها و شریات علمی دیده می‌شود.

فصل ۱ این کتاب، بر اندیشه برنامه درسی تلفیقی متمرکز است. فصل یک تلفیق برنامه درسی را مورد بحث قرار می‌دهد. این فصل شامل توصیفی از چهار جنبه اصلی این نظریه است - تلفیق تجربه، تلفیق اجتماعی، تلفیق دانش و تلفیق به شیوه‌های مختلف برنامه درسی. این فصل همچنین مشتمل بر مباحثی در این زمینه است که - گونه این رویکرد با سایر رویکردهایی که فراسوی سنت برنامه درسی موضوع مورد قرار دارند متفاوت است و همچنین شامل توضیحی درباره منابع مرتبط با مراکز سازماندهی و تضادها در تلفیق برنامه درسی می‌باشد.

فصل ۲ به کاوش در تاریخ تلفیق برنامه درسی می‌پردازد. با وجود اینکه می‌دانم برای برخی این بخش خسته‌کننده خواهد بود، ولی اگر این بخش است که ما فرصت حرکت توأم با اطمینان به فراسوی تعاریف غیرتلفیقی و تحریف شده تلفیق برنامه درسی را که در محافل حرفه‌ای معاصر نیز جاری و رواج دارد، خواهیم داشت. در فصل ۳ به یکی از بحث‌های بسیار متداول در حول تلفیق برنامه درسی که آن را هنگامی که مرزهای بین موضوعات درسی از بین می‌رود سرزنش شده است، علمی می‌نامند، خواهیم پرداخت.

در این فصل این امید را دارم (که غیرواقعی نیز نیست) که به این اندیشه تلفیق و لی غیرواقعی که تلفیق برنامه درسی دانش مرتبط به رشته‌های علمی را مورد بی‌وجهی قرار می‌دهد، پاسخ گویم. در واقع من بر این باورم که در تلفیق برنامه درسی، رشته‌های علمی در مقایسه با آنچه که امروزه در برنامه درسی مطرح می‌شود مشروعیت

بیشتری یافته و جوانان نیز نسبت به آن داوری بهتری خواهند داشت. دو فصل بعدی بر این موضوع که نحوه انجام تلفیق برنامه درسی چیست متمرکز است. فصل ۴ از تجربه‌های من در کلاس‌های درسی یا مشاهده معلمانی که این رویکرد را به کار می‌بندند و همچنین آنچه که آنها به من گفته و یا در مورد کارهایشان نوشته‌اند متأثر است. به خصوص اینکه من عناوینی را که معلمان ضمن کاربرد این رویکرد با دانش‌آموزان، البتاً درباره آن سخن می‌گویند که شامل برنامه‌ریزی توأم با همکاری، دانش عملی، سازماندهی و کاربرد دانش اجتماعات خلاق و ارتباطات می‌باشد را مورد توجه قرار دادم. من همچنین آنچه که حس می‌کنم نوع باورهایی است که این معلمان به سخن درس می‌برند که شامل: باورها در مورد جوانان، یادگیری، دانش، مهارت‌های تربیتی، غیره است را توصیه می‌کنم. سپس در فصل ۵ در مورد برخی جنبه‌های تداوم و تحول برنامه درسی، که از کلاس‌ها و مدرسه آغاز شده و تا سیاست‌های آموزشی، فرهنگ و دانش توسعه می‌یابد سخن خواهم گفت.

در فصل ۶ به سؤال مهم‌تری که اولاً از آن اندیشه تلفیق برنامه درسی پدیدار شده است خواهم پرداخت آن سؤال این است که: تسلیم و تربیت عمومی در یک جامعه دموکراتیک چه باید باشد؟ در این بخش به این موضوع توجه خواهد شد که برنامه درسی در چنین جامعه‌ای باید در حول موضوعات مهم اجتماعی سازماندهی شده، جوانان را در کاربرد دانش برای مطالعه‌ای مستقانه، این موضوعات هدایت کرده و شامل جنبه‌های بیشتری از طرح‌ریزی مشارکت‌جویانه به وسیله معلمان و دانش‌آموزان انجام می‌شود باشد. در این راستا، امیدوارم بار دیگر این سازمان را از تلفیق برنامه درسی توضیح داده و اشتباهات فلسفی و آموزشی کارهای امروز که تحت نام برنامه درسی ملی اجرا می‌شود را مورد بررسی قرار دهم.

و بالاخره در آخرین فصل، دو معضل عمده تلفیق برنامه درسی که طرفداران این رویکرد هنگام تلاش برای کاربرد با آن روبرو هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از این مشکلات عدم وجود ساختارهای بروکراتیک در عصری است که گروه‌های قدرتمند در جستجوی اختیارات مرکزی بر تدریس و یادگیری هستند. دومین معضل روش‌هایی است که با ارزش‌های بنیادی گروه‌های مسلط و صاحب امتیاز جامعه در تضاد قرار می‌گیرد. با این حال، همزمان می‌خواهم تا به این نکته بجه کنیم که امروزه تلفیق برنامه درسی به دلیل تعهد طرفدارانش شرایط مطلوبی را داراست. من در یک نوشته تخصصی سعی کرده‌ام کتاب‌شناسی تلفیق برنامه درسی که به نظر می‌بخشد تا سرحد امکان کامل تدوین شده است ارائه دهم. بنابراین آنان که به دنبال پاسخ برای چنین مقوله‌ای هستند باید به منابع کتاب‌شناسی که مرتبط با تلفیق برنامه درسی بوده‌اند، در متن کتاب اشاره نشده است توجه نمایند.

و بالاخره یادآوری می‌کنم که فکر می‌کنند تلفیق برنامه درسی عبارت از بازسازماندهی محتوای چندین موضوع درسی در حول برخی مضامین می‌باشد، باید گفت که دریافت اینکه تلفیق برنامه درسی چیزی فراتر از این موارد است تکان‌دهنده خواهد بود. در جای دیگری نیز گفته‌ام که تلفیق برنامه درسی فقط انجام دادن کارها به شکلی دیگر نیست، بلکه انجام کارهایی که واقعاً متفاوت است می‌باشد. امیدوارم که این افراد به جای هراس از این ایده، به کارگیری آن تشویق شوند. این امید را دارم که آنان که برای دانستن بیشتر و به‌کارگیری تلفیق برنامه درسی به این کتاب مراجعه می‌کنند و به خصوص معلمانی که آن را به کار می‌برند احساس نمایند که من با دقت و به‌خوبی در جهت کار آنها سخن گفته‌ام و این هم به نفع آرزوی من است.

فصل ۱ نوعی ویژه از یکپارچگی

۶	 ابعاد تلفیق برنامه درسی
۶	 تلفیق تجربه ها
۸	 تلفیق اجتماعی
۱۰	 تلفیق درسی
۱۴	 تلفیق معنوی و روح برنامه درسی
۱۵	 جایی دیگر فراسازی موضوعات درسی مجزا
۱۵	 برنامه درسی چند بعدی و سایر رویکردها
۲۱	 مراکز سازماندهی
۲۵	 علائق فعلی در زمینه تلفیق

فصل ۲ در جستجوی تلفیق برنامه درسی

۳۶	 پشت سر گذاشتن رویکرد موضوعات درسی
۴۰	 از تلفیق تا برنامه درسی هسته اصلی (Core Curriculum)
۴۹	 آشفتگی در بهشت
۵۵	 گم شده ها و پیدا شده ها
۶۲	 توجه

فصل ۳ تلفیق برنامه درسی و رشته های علمی (دانش)

۶۴	 مشکل چیست؟
۶۷	 درون رویکرد موضوعی
۷۲	 دانش در یک برنامه درسی تلفیقی
۷۸	 فراسوی مبحث

فصل ۴ در جایگاه تعلیم و تربیت پیشرفته

۸۴	برنامه ریزی مشارکتی.....
۹۷	اجرای دانش.....
۱۰۰	سازمان دادن و کاربرد دانش.....
۱۰۴	آزیدن اجتماعها.....
۱۰۷	روابط معلم و دانش آموزان.....
۱۰۹	آموزش پرورش متعالی.....

فصل ۵ در جایگاه تدابیر دشوار

۱۱۵	درون کلاس درس.....
۱۱۸	در میان همکاران.....
۱۲۲	در نگاه اقتدار.....
۱۲۶	کودک من نه.....
۱۳۲	تعبیر غلط از تلفیق برنامه درسی.....

فصل ۶ من یک برنامه درسی ملی ندارم

۱۴۰	تعلیم و تربیت عمومی به سبک سالهای ۹۰.....
۱۴۴	برنامه درسی ملی برای چه کسانی است؟.....
۱۴۷	یک برنامه درسی در مورد چه چیزی است؟.....
۱۵۰	ارزش نام یک برنامه درسی ملی.....

فصل ۷ تلفیق برنامه درسی چگونه اجرا می شود؟

۱۵۵	رویارویی با واقعیت.....
۱۶۵	میزان موفقیت تلفیق برنامه درسی چقدر است؟.....
۱۶۷	منابع.....
۱۸۱	نمایه.....